

سورة

زبان‌های اربعین

شامل:

بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین

عزیز حسین
علیه السلام

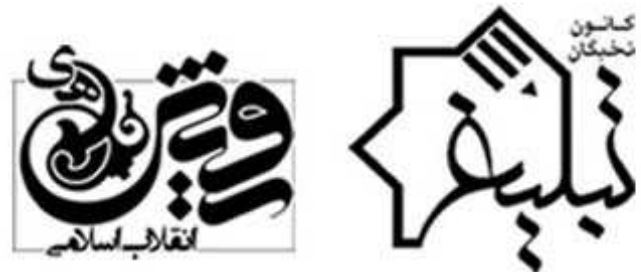
مغناطیس پُر جاذبه‌ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جذب کرد؛ رفتن جابر بن عبدالله و عطیّه به زیارت امام حسین در روز اربعین، سر آغاز حرکت پُر برکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی‌درپی این حرکت پُر شکوه‌تر، پُر جاذبه‌تر و پُر شورتر شده است و نام و یاد عاشورا را روز به روز در دنیا زنده‌تر کرده است.

رسم‌نویس
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

۱۳۸۵/۰۱/۰۱

قال النبی
حسین مظهرنا حسین

تهیه و تنظیم: کانون نخبگان تبلیغ /
مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی
/ کمیته ی فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین
به کوشش: طه قدوسی
طرح جلد و صفحه آرایی: محسن بهرامی
ویراستار: سید علی حسینی، ابوالفضل حاج عبدالصمد
مترجم: سید مقدم حیدری



فهرست مطالب :

مقدمه

احوال پرسی

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

پزشکی و دارویی

انتقال معارف انقلابی

اسکان

در مرز

جملات محبت آمیز و تعارفی

ضرب المثل های عربی

اعداد و ایام هفته

مقدمه

زیارت اربعین حسینی که در روایت نورانی امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه های مومن قلمداد شده است، چند سالیست که به فضل الهی در بین عموم شیعیان و محبین حضرت سیدالشهداء علیه السلام فراگیر و با آیین با شکوه پیاده روی از مکان های مختلف به سمت کربلای معلا همراه شده است.

هر ساله شاهد جمعیت میلیونی زوار حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستیم که توسط ملت با کرامت عراق مورد پذیرایی و استقبال قرار می گیرند و حجم بالای جمعیت و مهمان نوازی مخلصانه و کریمانه ملت عراق که به صورت مردمی و بدون کوچکترین حادثه در نهایت هماهنگی صورت می پذیرد، انگشت حیرت هر بیننده ای را به دندان می گیرد.

فرصت پیاده روی اربعین و حضور جمعیت میلیونی عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در موکب های حسینی فرصت مناسبی است که در صورت استفاده مناسب زمینه ارتباط حداکثری امت اسلامی و تقویت و استحکام روابط را محقق می کند.

بر سر راه این مهم قفل بزرگ اختلاف زبانی وجود دارد که مانع ارتباط بیشتر و صمیمانه تر ملت ها و ملت عراق می گردد.

بارها شاهد آن بوده ایم که جماعتی از مردم ایران در خانه ای و یا موکبی مورد پذیرایی قرار گرفته اند، ولی توان تشکر و قدردانی از زحمات میزبان و ارتباط برقرار کردن با او را که منجر به رفاقت و صمیمیت دائمی بین آنها باشد را نداشته اند تا شاید روزی میزبان آنها در یکی از شهرهای ایران اسلامی باشند.

مجموعه ای که پیش روی شماست شامل بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین حسینی است که توسط دانش آموزان مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی برای زائر اربعین جمع آوری و ترجمه گردیده است.

امتیاز ویژه آن این است که عبارات مورد نیاز از زبان فارسی هم به زبان عربی فصیح و هم لهجه محلی عراقی ترجمه گردیده است.

ویژگی دیگر این کتاب بخش جملات تعارفی و محبت آمیز است.

مردمان عراق، مردمانی خونگرم و تشنه محبت هستند و در قبال این نوع جملات واکنش های بسیار خوب و مهربانانه ای از خود نشان می دهند.

پیشنهاد های مشفقانه شما عزیزان در جهت هر چه بهتر شدن این جزوه برای سال های آینده را پذیرا هستیم.

با تشکر از همه اساتید، که مشوق انجام این کار بودند.

طه قدوسی

۱۶ آبان ۹۴

احوال پرسی

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
السلام علیکم وصبحکم الله بالخیر / مساکم الله بالخیر		سلام صبح به خیر / شب به خیر
کیف الحال؟	شلون الصّحة؟	حالت چه طور است؟
بخیر إن شاء الله؟	إن شاء الله زین؟	خوب هستی ان شاءالله؟
شکرا بخیر	شکرا زین	ممنون خوبم
الحمد لله علی سلامتک		الحمدالله که سلامت هستی
الجوّ حار / بارد جداً	الجوّ هوايه حار / بارد	هوا خیلی گرم / سرد است
هل تعبت؟	تعبت؟	خسته شدی؟
نعم تعبت كثيرا / لا أبداً	إی تعبت هوايه / لا أبداً	بله خیلی / نه اصلاً
ما اسمک؟ ما اسمک الکریم؟	شِسْمَک؟ شِنو اسمکم الکریم؟	اسمت چیه؟ (اسم کریمت چیه؟)
من أين أتیت؟	من وین جای؟	از کجا آمده ای؟
من أي بلد أنت؟	إنت من وین؟ من یا بلد؟ من یا مدینه؟	اهل کجا هستی؟
أنا ایرانی	آنی ایرانی	من ایرانی هستم
أنا من مدینه قم / طهران ...	آنی من مدینه قم / طهران ...	من اهل شهر قم / تهران ... هستم
إلی أيّ مدن ترید أن تذهب؟	لیا مدّن ترید تُروح؟	به چه شهرهایی می خواهی بروی؟
أنا ذاهب إلى كربلاء / النجف.	آنی رایح لکربله / للنجف	من به کربلا میروم (نجف)
کم یوم وأنت فی الطریق؟	صار لک کم (چم) یوم بالطریق؟	چند روز است که در راه هستی؟
کم یوم وأنت هنا؟	صار لک کم یوم هنا (هنا)	(چند روزه که این جایی)
کم عمرک؟	شُگد عُمُرک؟	چند سالت است؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
عفواً عربیتی مو زینه / مو جیده	عفواً أنا لا أجید العربیة	ببخشید من عربی ام زیاد خوب نیست
تگدر تحچی انگلیزی؟	هل تستطيع أن تتكلم بالانجليزية؟	می تونی انگلیسی صحبت کنی؟
شنو شغلک؟	ما هو شغلک؟	شما چه کاره هستید؟
طالب / طالب جامعی / طالب فی الحوزة / تاجر / موظف / معلم / متقاعد	طالب / طالب جامعی / طالب فی الحوزة / تاجر / موظف / معلم / متقاعد	دانش آموز / دانشجو / طلبه / کاسب / کارمند / معلم / بازنشسته
شلونها أوضاع العراق؟ شنو أوضاع العراق؟	كيف الأوضاع في العراق؟	اوضاع عراق چطور است؟
شاخبار (شخبار) داعش؟	ما هي أخبار داعش الخبيثة؟	چه خبر از داعش خبیث؟
هسته یا محافظات بید داعش؟	ما هي المحافظات التي سقطت بيد داعش؟	چه استان هایی الان دست داعش هست؟
سامره آمنه الآن؟	هل سامراء آمنة؟	سامرا الان امنیت دارد؟
شلون أگدر أروح لسامره؟	كيف أستطيع الذهاب إلى سامراء؟	چطور می تونم برم سامرا؟
تُعرف سکن بکربلاء (بکربله) / بالنجف؟	هل تعرف عن سكن في كربلاء / النجف؟	تو کربلا / نجف اسکان سراغ داری؟
شگد صار مصرفک؟	کم بلغ مصرفک؟	هزینه ات چقدر شده است؟
متزوج؟ / إنت متزوج؟	هل أنت متزوج؟	آیا ازدواج کردی؟
لا ممتزوج / ای متزوج.	لا أنا أعزب / نعم متزوج	نه مجردم / بله متاهلم
شگد عندک...؟	کم لديک من أطفال؟	چند تا بچه داری؟
ولد لو بنات؟	ذکور أم إناث؟	دختر یا پسر؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
ما اسم أطفالك؟	شایسمهم (شایسمهم) أطفالك؟	اسم بچه هات چی هست؟
كم عمرهم؟	شگد عمرهم؟	چند سالشون هست؟
هل يذهبون إلى المدرسة؟ في أي سنة دراسية يدرسون؟	يرحون للمدرسة؟ بیا سنه یدرسون؟	مدرسه میروند؟ کلاس چندم اند؟
ابتدائية / متوسطة / ثانوية		ابتدایی / راهنمایی / دبیرستان
هذا رقم هاتفي	هذا (هاذه) رقم موبایلی	این شماره تلفن من است
هذا عنوانی فی مدینة قم	هذا عنوانی بقم	این آدرس من در شهر (قم) است
إذا زرت إيران ففضل فی بیتنا أكیدا	إذا جیت لإیران أكید عود تعال لبیتنا	اگر ایران اومدی حتما بیا منزل ما
هذه بطاقتی ورقم هاتفي	هاذی بطاقتی ورقم الاتصال بیه	این کارت و شماره تماس من است
أین عنوانك؟	وین عنوانك؟	آدرست کجاست؟
هل یمکن أن تعطینی رقم هاتفك؟	ممکن آخذ رقم موبایلک؟	ممکنه شماره تلفنتون رو داشته باشم؟
من هو؟	هذا (هاذه) منو؟	او کیست؟
مع من مشیت الطریق؟	وایا من جیت مشایة.	باکی اومدی پیاده روی؟
وحدک (وحدی) / مع الأسرة (مع العائلة) / مع الأصدقاء (الإخوة) / مع حملة زیارة	... ویا الأسرة / ویا...	تنهایی / با خانواده / با دوستان / با یک کاروان زیارتی
ما هذا؟	هذا شنو؟	این چیه؟
تفضل ماء / شای / قهوه	مای / چای / گهوه	بفرمایین (آب / چایی / قهوه)
هل أدلک جسمک؟ هل تحتاج إلى تدلیک؟	ترید أدلکک / ترید أمر خلک؟ / تحتاج تدلیک / تمریح / مساج؟	ماساژ نیاز داری؟ ماساژت بدهم؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
تفضل هذه النقود، فقد نذرتها للإمام الحسين (ع)	تفضل، ناذر هاذی الفلوس للحسین (ع)	بفرمایین این پول را برای امام حسین نذر کردم
هل تحتاجون إلى خدمة؟	تحتاجون خدمة؟	آیا کمک احتیاج دارید؟
هل الموكب جاهز بمرافق الصحة والحمام؟	الموكب بی مرافق (توالیئات) و حمام؟	موكب سرویس بهداشتی و حمام دارد؟
تكرم / تكرموا *		بفرمایین (برای احترام در سرویس بهداشتی)
تقبل الله أعمالكم	الله يتقبل منكم	خدا از شما قبول کند

* تفضل برای غذا خوردن و وارد شدن به اتاق و خانه است، برای دستشویی فقط از این فعل استفاده کنید.

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

(تلفن - سیم کارت - کارت شارژ - اینترنت - صرافی)

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
این تباع شرائح للجوال؟ *	وین یبیعون شرائح؟	کجا می تونم سیم کارت عراقی بخرم؟
أرید شریحہ؟		سیمکارت عراقی می خواهم
هل یمکن أن تفعلها لی؟	ممکن تُفعل لیاها؟	میشه برام فعالش کنی؟
کم مبلغ رصیدها؟	شگد بیهه رصید؟	چقدر شارژ داره؟
کیف أستطیع أن أفعل الانترنت فیها؟	شلون أفعل الانترنت مال الخط؟	اینترنتش رو چطور فعال کنم؟
أرید رصیدا.	أرید رصید.	کارت شارژ می خواهم
هل یمکن أن تدخل لی رقم الرصید؟	تگدر تدخل لی الرصید من فضلك؟	می شود این شارژ را برای من وارد کنید؟
کم سعره؟	شگد سعره؟	قیمت آن چه قدر است؟
أین أستطیع أن أشحن جوالی؟	وین اگدر أشحن موبایلی؟	کجا می تونم موبایلم رو شارژ کنم (پریز برق کجاست؟)
أین نقطه الکهرباء؟	وین نقطه الکهرباء؟	شارژر می خواستم
أرید شاحنة.		
هل یوجد هنا خط الإنترنت؟	أکو هنا خط أنترنت؟	آیا این جا اینترنت دارد؟
أنا بحاجة إلى إنترنت	آنی محتاج أنترنت	(من اینترنت نیاز دارم)
أین توجد شبكة wifi	وین تحصل شبکه وای فای؟	کجامیتونم wifi پیدا کنم؟
هل یمکن أن اتصل بجهازك؟	اگدر اتصل بجهازك؟	میتونم باگوشیتون یه تماس بگیرم؟

* قید عراقی در کشور عراق نیاز نیست، چنان چه شما در ایران هیچ گاه نمی گوید سیم کارت ایرانی می خواهم.

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أنا قد ضيّعت صديقي وقد انتهی رصدی	آنی مضیّع صدیقی و موبایلی خلصان شحنه / خلصان رصیده	من دوستم رو گم کردم شارژم هم تموم شده
أین تقف سیّارات کربلاء / النجف؟	وین توگف تکاسی النجف / کربلاء؟	تاکسی های نجف / کربلا کجا می ایستند؟
أرید سیاره تکسی إلی النجف / کربلاء		تاکسی می خواستم برای نجف / کربلا / ...
بکم الأجره إلی کربلاء / النجف؟	شگد الکره للنجف / لکربلاء؟	کرایه تا کربلا / نجف / ... چه قدر است؟
متاعی کثیر	غراضی هوایه	وسیله هایم زیاد است
لابدّ أن أضعها فی الصندوق الخلفی.	لازم أخلیها بالصندوق الوره.	باید بزارم صندوق عقب
غال / خفض	غالی / خفض	گران است / تخفیف بده
رگبنی / رگبه		من را سوار کن / او را سوار کن
هل یمکن أن تدخل هذا السی دی / الفلش؟	تگذر تحط هذا السی دی / الفلش؟ / تگذر تدگ...	میشه این سی دی / فلش رو بزارید؟
صعد صوته / أخفض صوته	علی صوته	صداش رو زیاد کنید / کم کنید
جمیل جداً. من هو الرادود (مداح) / المقرئ (قاری قرآن)	هوایه حلو. منو الی دِیقره	خیلی زیباست چه کسی این صوت را خوانده؟
بکم صارت أجرتی؟	شگد صارت گروتی؟	کرایه من چقدر می شود؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أنا نازل هنا	آنی هُنا نازل / یَمَّک نازل	من این جا پیاده می شوم
ما اسم هذا الشارع؟	شسمه هذا الشارع؟	اسم این خیابان چیست؟
الشارع من أي اتجاه؟	شارع... من یا صوب؟	خیابان..... از کدام طرف است؟
الحضرة من أي اتجاه؟	الحضرة من یا صوب؟	حرم از کدام طرف است؟
كم يستغرق التمشي إلى الحضرة من وقت؟	المشي إلى الحضرة شگد یاخذ وقت؟	پیاده تا حرم چقدر طول می کشد؟
أين توجد / يوجد مرافق / مطعم، سوبر ماركت، مستشفى، مصلى، موكب، فندق	وين أكو مرافق / مطعم، سوبر ماركت، مستشفى، مصلى، موكب، فندق	دست شویی کجاست (رستوران، سوپر مارکت، بیمارستان، نمازخانه، موكب، هتل)

پزشکی و دارویی

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
این توجّد صیدلیّه، عیاده، مستشفی؟	وین اكو صیدلیّه، عیاده، مستشفی؟	(داروخانه، مطب دکتر، بیمارستان) کجاست؟
هل یوجد طبیب هنا؟	یُخَصِّل / اكو طبیب هنا؟	آیا اینجا دکتر هست؟
ظہرت بثور فی رجلی.	رِجلی مُفَرِّغِسَه / رجلی مُبَطَّبَطَه	پایم تاول زده است
أظن أنى قد تسممت.	أتصوّر متسمّم؟	فکر کنم مسموم شدم
أشعر بوجع فى رأسى / بلاعیمی / بطنى	راسى / بلاعیمی / بطنى یوجعنى / توجعنى	من سرم / گلویم / شکمم درد می کند
أنا عندى مرض القلب / هو عنده مرض القلب	آنى عندى مرض قلب / عنده مرض قلب	او / من بیماری قلبی دارم
عندى إسهال		اسهال دارم
أصبت بالزكام / تمرّضت	آنى منشول / آنى انشلت / تمرّضت	سرما خوردم / مریض شدم
صحتى سيئه جدا	صحتى متدهوره كُله	حالم خیلی بد است
عندى دوّار	عندى دوخه	سرگیجه دارم
أريد سيارة الإسعاف.	أريد سيارة إسعاف.	آمبولانس می خواهم
مغذى / إبره / حبوب		سرم / آمپول / قرص
أين الطبيب؟	وین الطیب؟	دکتر کجاست؟
هل لديكم حبوب للزكام / وجع الرأس / مسكّن	عدكم حبوب للنشلة / لوجع الراس / مسكّن	قرص سرماخوردگی / سردرد / مسکن دارید؟
ظهري يؤلمنى.	ظهري يوجعنى	من کمرم درد می کند
عندى ديسك الظهر		من دیسک کمر دارم

انتقال معارف انقلابي

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
يجب أن نحارب أمريكا وإسرائيل اليوم / لازم نحارب أمريكا وإسرائيل اليوم		امروز باید با آمریکا و صهیونیست مبارزه کنیم
الجهاد نعمة يمنحها الله لعباده اللاتقين	الجهاد نعمة، الله ينطیها للی يستاهل	جهاد نعمتی است که خداوند به بندگان لایق خودش عطا می کند
الشهيد سعيد والشهادة سعادة		شهید خوشبخت است و شهادت سعادت
داعش إنتاج مشترك لأمريكا والوهابية		داعش محصول مشترک آمریکا و وهابیت است
الوهابية وليدة الإسلام الأمريكية والإنجليزية		وهابیت ثمره ی اسلام آمریکایی و انگلیسی است
الشيعی الذی یبَلِّغ دینه من لندن ویستلم دعما من انكلترا فلیس بشیعی	الشیعی الی یبَلِّغ دینه من لندن ویستلم دَعِم من انگلتره فهذا مو شیعی	شیعه ای که از لندن تبلیغ دین کند و از انگلیس کمک بگیرد شیعه نیست
ما رأیک حول التظیر؟	شنو رأیک بالتظیر؟	نظر شما در مورد قمه زنی چیست؟
سماحة السيد القائد آیه الله الخامنئی قد حرم التظیر	سماحة السيد القائد مُحَرَّم التظیر	قمه زنی را حضرت آیت الله خامنه ای حرام کردند
التظیر الیوم بضرر التشیع فی العالم	هَسَّه التَّظیر بضرر التشیع	هم اکنون قمه زنی به ضرر شیعه در دنیا است
هل من لا یحارب انكلترا وأمريكا شیعی حقا؟	الی میحارب انگلتره و آمریکا صدگ؟	آیا کسی که با انگلیس و آمریکا مبارزه نمی کند شیعه است؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أمريکا وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء لحركة حزب الله	أمريکه وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء حزب الله	آمریکا، اسرائیل، داعش، وهابیت همگی مخالف جریان حزب الله هستند
الدواعش ليسوا بسنة وإنما هم جماعة إرهابية	الدواعش مو سنة، هذوله جماعة إرهابية	داعشی ها سنی نیستند یک گروه تروریستی هستند
لابد للشيعة والسنة أن يحاربا الدواعش الخبثاء	لازم الشيعة والسنة يحاربون الدواعش الملائعین	شیعه و سنی باید با داعش خبیث وارد جنگ شوند
يجب على الشيعة والسنة أن يتحدوا معا	لازم الشيعة والسنة يتحدون	شیعه و سنی باید با یکدیگر متحد باشند
ما زالت إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن في خط المقاومة	إيران من بداية الثورة ولحد الآن بخط المقاومة	ایران از اول انقلاب در خط مقاومت هست
إن عزة إيران بسبب ولاية الفقيه	عزة إيران هادی بسبب ولاية الفقيه	این عزت کشور ایران بخاطر ولایت فقیه است
يجب على الشباب العراقي أن يدافعوا عن التشيع	لازم الشباب العراقيين يدافعون عن التشيع	جوانان عراقی باید از مکتب شیعه دفاع کنند
يقف الإيرانيون مع الشعب العراقي في جبهة المقاومة حتى الانتصار النهائي إن شاء الله	الإيرانيين واگفین وره الشعب العراقي بجبهة المقاومة حتى النصر النهائي إن شاء الله	ایرانیها در کنار مقاومت مردم عراق تا پیروزی کامل هستند

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل	إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل	ان شاءالله که هرچه زودتر ملت عراق پیروز شود
لازم الشعب العراقي يتحرك حول محور مرجعية السيد السيستاني الله يحفظه	يجب على الشعب العراقي أن يتحرك حول محور مرجعية آية الله السيستاني دام ظله	مردم عراق باید حول محور مرجعیت آیه الله سیستانی حرکت کنند
الله يحفظ كل المجاهدين	أسأل الله أن يحفظ المجاهدين جميعا	خدا همه مجاهدين را حفظ کند
رايح لجنبه ليهسه؟	هل قد ذهبت إلى الجبهة لحد الآن؟	تاحالا تو جبهه شرکت کردین؟
بیا مناطق؟	فی أي مناطق؟	در کدام مناطق؟
نیالک / نیالکم	هنیئا لک / لکم	خوش به حال شما
عن أمير المؤمنين (ع): إنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ.		جهاد در راه خدا دری است از درهای بهشت که خدا به روی بندگان خاص خودش باز می کند
قاسم سليمان إله شعبية كبيرة	الجنرال قاسم سليمان له شعبية كبيرة في بلدنا	سردار سلیمانی در کشور ما خیلی محبوب است
إيران من بداية الثورة اذافع عن مظلومي العالم	تدافع إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن عن الشعوب المظلومة في العالم	ایران از اول انقلاب همه ی مردمان مظلوم دنیا را حمایت می کند
رحمة الله على الإمام الخميني / الله يرحم الإمام الخميني		خداوند امام خمینی را رحمت کند

اسكان

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
هل تعرف أين أستطيع أن أجد فندقا رخيصا؟	تَدْرِي وِين أَكْدَرِ الْكِي فُنْدُق رِخِيص؟	می دونی هتل ارزان کجای تونم پیدا کنم؟
هل لديكم غرف فارغة؟	عندک / عِدْکُمْ غَرْفَةٌ فَاْرُغَةٌ؟	آیا اتاق خالی دارید؟
ما هي إمكانياتها / تجهيزاتها	شِنُو إمکَانَاتِهَا / تَجْهِيْزَاتِهَا	چه امکاناتی دارد؟
أين أستطيع أن أجد فندقا بغرف فارغة؟	وِين أَكْدَرِ الْكِي فُنْدُق بِي غُرْف فَاْرُغَةٌ؟	کجایتونم هتل با اتاق خالی پیدا کنم؟
متى تتوفر لك غرف فارغة؟	شَوَكِيْتُ تُصِيْرُ عِنْدَكَ غَرْف فَاْرُغَةٌ؟	کی اتاق خالی دارید؟
متى تحضر الغرفة؟ متى تكون الغرفة جاهزة؟	شَوَكِيْتُ تَحْضُرِ الْغَرْفَةُ؟	اتاق کی آماده می شود؟
بكم أجرتها ليليا؟	شَغْدَ أَجْرَتِهَا بَكُل لَيْلَةٍ؟	کرایه ی آن شبی چقدر است؟
جيدة. أريد الغرفة	زینہ. أريد الغرفة	خوب است. اتاق را می خواهم
لا، سعرها غال	لا، سعرهه غالی	نه، قیمت آن زیاد است
ألا توجد لديكم غرف أرخص؟ / ألا تخفض؟	مَا عِدْكُمْ غَرْف أَرْخِص؟ / مَتَخَفِّض؟	ارزان تر ندارید؟ / تخفیف نمی دهید؟
هل لديكم مصعد؟	مَصْعَدُ هَم عِدْكُمْ.	آسانسور هم دارید؟

در مرز

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
تفضل هذا جوازی.		بفرمایید، این گذر نامه ی من است
جئت لزيارة الأربعين.	جیت لزيارة الأربعین.	برای اربعین آمده ام
متی تسمحون لنا بالدخول؟	شوکت تَخَلُّونا نِدْخُلْ؟	کی اجازه ی ورود می دهید؟

جملات محبت آمیز و تعارفی

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أنتم العراقیین فی قمّة العزّ والكرامة	إنتو العراقیین بقمّة العزّ والكرامة	شما عراقی ها درقله های عزت هستید
أنتم شعبٌ شجاع وبطل	إنتو شعبٌ شجاع وبطل	شما مردمی شجاع و دلیر هستید
أنتم فی قمّة الكرامة. / إنتو بقمّة الكرامة	أنتم فی قمّة الكرامة. / إنتو بقمّة الكرامة	شما درقله های کرامت هستید
كرمکم لیس له نظیر فی العالم	كْرَمَكُم ما إله نظیر بالعالم	کرامت شما در دنیا بی نظیر است
الله یرحم والدیك	الله یرحم والدیك	خدا پدر و مادرت رو بیامرزه
أنتم فخر لنا / أنتم مفخرة لنا	إنتو فخر إله / إنتو مفخرة إله	شما افتخار ما هستید
مأجور / مأجورین	مأجور / مأجورین	خدا اجرت بده
الله یساعدک / حیاک الله / هنیئاً	الله یساعدک / حیاک الله / هنیئاً	خسته نباشی / زنده باشی / نوش جونت
صارت زحمة علیکم، شکرا جزیلا	صارت زحمة علیکم، شکرا جزیلا	خیلی زحمت کشیدید ممنون
أنتم إخوتنا	إنتو إخوتنه	شما برادران ما هستید
نحن الإیرانیین نحبکم کثیرا	إحنه الإیرانیین هوایه نحبکم	ما ایرانی ها خیلی شما رو دوست داریم
عاش العراق وعاش شعبه الغیور	عاش العراق وعاش شعبه الغیور	زنده باد عراق و ملت غیور عراق
تقبّل الله منکم / تقبّل الله أعمالکم	تقبّل الله منکم / تقبّل الله أعمالکم	خدا از شما قبول کند
تقدّم / تقدّموا	تقدّم / تقدّموا	بفرمایین اول شما
أجرکم علی أبی عبد الله الحسین(ع)	أجرکم علی أبی عبد الله الحسین(ع)	اجرتان با امام حسین(ع)
كان لذيذا جدا، عاشت یداک	كُلّش طیب چان عاشت یدک	خوشمزه بود دست شما درد نکنه

ضرب المثل های عربی

مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَّ وَجَدَ	عاقبت جوینده یا بنده بود
مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَاعَهُ	هر که با حق در افتد ور افتد
الْيَدُ الْوَاحِدَةُ لَا تُصَفِّقُ	یک دست صدا ندارد
مَنْ طَلَبَ أَخاً بِلا عَيْبٍ بَقِيَ بِلا أَخٍ	گل بی خار خداست
مَنْ حَفَرَ بُرّاً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا	چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی
مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي	گنج خواهی در طلب رنجی ببر
لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ	هر سخنی جایی و هر نکته مکانی دارد
الْكَلَامُ يَجْرُّ الْكَلَامَ	حرف حرف میاره
لَا يَمْدَحُ الْعُرُوسَ إِلَّا أَهْلُهَا	هیچ کس نمی گوید ماست من ترش است
لِكُلِّ فِرْعَوْنَ مُوسَى	دست بالای دست بسیار است
كَلِمَةُ اللِّسَانِ أَنْكِي مِنْ كَلِمَةِ السِّنَانِ	زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است
لَا تُؤَخِّرْ عَمَلَ الْيَوْمِ إِلَى غَدٍ	کار امروز را به فردا میفکن
لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ	نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار
لَا يُلْدَغُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ	آدم خردمند دوبار از یک سوراخ نیش نمی خورد
عِنْدَ الشَّدَائِدِ تَعْرِفُ الْإِخْوَانَ	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
الطَّيُورُ عَلَى أَشْكَالِهَا تَقَعُ	کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز
الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی

أظهر من الشمس	آشکارتر از خورشید است
خير الناس من ينفع الناس	بهترین مردم کسی است که به مردم نفعی برساند
بيضة اليوم خير من دجاجة الغد	سیلی نقد به از حلواي نسیه
السكوت أخو الرضا	سکوت علامت رضاست
حبه حبه تصبح قبه	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود
خير الأمور أوسطها	اندازه نگهدار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست
خير البر عاجله	در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
خير الكلام ما قلّ و دلّ	کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ تا ز اندک تو جهان شود پر
خالف تُعرف	مخالفت کن تا مشهور شوی
لم يفت من لم يمت	ماهی را هر موقع از آب بگیری تازه است
الفائت لا يستدرک	آب رفته به جوی نیاید
كالقابض علی الماء	آب در هاون کوفتن - باد در قفس کردن
من القلب الی القلب	دل به دل راه دار
من كثره ملاحیها غرقت السفینه	آشپز که دو تا شد آش یا شور می شود یا بی نمک
كل كلب ببابه نباح	هر سگ به درخانه خویش است دلیر
المرء بخليله	بگو با که ای، تا بگویم که ای - تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که کیستی؟
من یمش یرض بما ركب	کاچی به از هیچی

الغمرات ثم ينجلين	پایان شب سیه سفید است
أعط القوس باريها	کار را باید به کاردان سپرد
لا تطرح الدرر أمام الكلب	قدر زر زرگر شناسد
ما لا يدرك كله لا يترك كله	آب دریا را اگر نتوان کشید - هم به قدر تشنگی باید چشید
الماضي لا يذكر	گذشته ها گذشته
ياكلني سبع ولا يأكلني كلب	همه را برق می گیرد ما را چراغ نفتی
لواتجرت بالأكفان ما مات احد	اگر لب دریا بروی خشک می شود
ترك الجواب على الجاهل جواب	جواب ابلهان خاموشی است
من صارع الحق صرعه	هر که با حق درافتد ور افتد
يا طبيب طب نفسك	تو که لالایی بلدی چرا خوابت نمی برد؟!
الأعمال بخواتمها	کار را که کرد؟ آن که تمام کرد
غداؤه مرهون بعشائه	هشتش گروی نه است
الشيب كله عيب. يا شايب و عايب .	پیری و هزار عیب
أكلتم تمرى و عصيتم أمرى.	نمک خوردی و نمکدان شکستی
العنقود العالی حصرم.	دستش به انگور نمی رسد می گوید : ترش است
ما كل بيضاء شحمة	هر گردی ، گردو نیست
ليس الخبر كالمعاينة.	شنیدن کی بود مانند دیدن

اعداد و ايام هفته

اعداد شمارشی	
صفر	صفر
واحد	یک
اثنان	دو
ثلاثة	سه
أربعة	چهار
خمسة	پنج
ستة	شش
سبعة	هفت
ثمانية	هشت
تسعة	نه
عشرة	ده

اعداد ترتیبی	
(مذكر) أوّل / أولى (مونت)	اول
الثاني / الثانية	دوم
الثالث / الثالثة	سوم
الرابع / الرابعة	چهارم
الخامس / الخامسة	پنجم
السادس / السادسة	ششم
السابع / السابعة	هفتم
الثامن / الثامنة	هشتم
التاسع / التاسعة	نهم
العاشر / العاشرة	دهم

اعداد شمارشی

ثلاثون	سی
أربعون	چهل
خمسون	پنجاه
ستون	شست
سبعون	هفتاد
ثمانون	هشتاد
تسعون	نود
مئة	صد

اعداد شمارشی

أحد عشر / إحدى عشرة	یازده
اثني عشر / اثنتا عشرة	دوازده
ثلاثة عشر	سیزده
أربعة عشر	چهارده
خمسة عشر	پانزده
ستة عشر	شانزده
سبعة عشر	هفده
ثمانية عشر	هجده
تسعة عشر	نوزده
عشرون	بیست

ایام هفته

یَوْمُ السَّبْتِ	شنبه
یَوْمُ الْأَحَدِ	یک شنبه
یَوْمُ الْإِثْنَيْنِ	دو شنبه
یَوْمُ الثَّلَاثَاءِ	سه شنبه
یَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ	چهار شنبه
یَوْمُ الْخَمِيسِ	پنج شنبه
یَوْمُ الْجُمُعَةِ	جمعه

اعداد ترتیبی

مِئَتَيْنِ	دویست
ثَلَاثَ مِئَةٍ	سی صد
أَرْبَعَةَ مِئَةٍ	چهار صد
خَمْسَةَ مِئَةٍ	پانصد
سِتَّةَ مِئَةٍ	شش صد
سَبْعَةَ مِئَةٍ	هفت صد
ثَمَانِيَةَ مِئَةٍ	هشت صد
تِسْعَةَ مِئَةٍ	نه صد
أَلْفٍ	هزار

عزیزتین
علیہ السلام

یا ابا عبد بن اربین

یا ابا عبد بن اربین

امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البته مخصوص شیعه نبود، سنی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.

من همین‌جا مناسب میدانم و لازم میدانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.

رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
۱۳۹۳/۱۰/۱۹

قال النبي
حسین منان حسین

یا ابا عبد بن اربین

یا ابا عبد بن اربین